

26 اکتوبر 2023

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری از خاطرات سفر شاهدخت هندیه به جنوب و شمال کالیفورنیا

(قسمت دوم)

برنامه پذیرائی شاهدخت هندیه (بی بی جان) در شمال کالیفورنیا:

روز جمعه - نهم سپتمبر 2011 (مطابق 19 سنبله 1390ش) روزی بود که سفر بی بی جان به شمال کالیفورنیا آغاز گردید و قرار بود طیاره حامل شان به ساعت 11 بجه قبل از ظهر به میدان هوایی بین المللی شهر "سن هوزه" مواصلت کند. تیم پذیرائی مشتمل به چند نفر از سرشناسان زن و مرد، تعدادی از جوانان و یکی دو طفل با لباس افغانی و دسته های گل در میدان هوایی به استقبال شاهدخت و همراهان رفته بودند. پس از استقبال گرم و عرض خوش آمدید، همه همراه با مهمانان به خانه ما تشریف آوردند و بعد از صرف نان چاشت هریک برای آماده شدن جهت اشتراک در محفل بزرگ که ساعت 6 بجه شام در یکی از سالون های بزرگ در جوار شهر "فریمان" ترتیب یافته بود، رفتند و بی بی جان نیز با دونفر از همراهان خود هریک محترمه فضیله جان سراج (مهماندار شان در جنوب کالیفورنیا) و محترمه زهره جان که بی بی جان را در طول سفر از ایتالیا به امریکا همیشه همراهی میکرد، در منزل ما اقامت کردند. همچنان محترمه کوکی جان افضل انور رئیسه انجمن زنان در جنوب کالیفورنیا و محترمه زهره جان یوسف داؤد عضو فعال آن انجمن نیز به دعوت ما با بی بی جان یکجا تشریف آوردند.

خانم راضیه کاظم که به حیث مهماندار در خدمت قرارداد داشت، از بی بی جان پرسید که تا آماده شدن برای شام، اگر ضرورت به استراحت داشته باشند، اطاق آماده است، اما بی بی جان با خنده گفت: «ضرورت به استراحت ندارم، میخوام از صحبت با شما لذت ببرم». با آنکه بی بی جان در آنوقت 82 سال داشتند، اما از نظر ظاهری و در مجموع بطورکل از شادابی، زیبایی و استواری در سخن و رفتار به مثل جوانی می ماندند که گوئی بیش از پنجاه سال ندارند. از همه مهمتر طرز صحبت او چنان ملیح و بامزه و پراز عطف بود که هر شنونده را فوری مجذوب خود می ساخت.



شاهدخت هندیه (بی بی جان) با راضیه مستندی کاظم مهماندار شان در شمال کالیفورنیا

برای واریسی ترتیبات در سالون که همکاران از صبح در آنجا مشغول بودند، زودتر به آنجا رفته و قرار شد که خانم با دو سه خانم دیگر، مهمانان را ساعت 6 عصر به سالون برسانند. با مواصلت ایشان هنوز تعداد کثیر هموطنان در مدخل سالون منتظر ورود بداخل بودند، لذا با استفاده از دروازه

فرعی بی بی جان و همراهان را به اتاق انتظار رهنمائی کردند تا همه اشترا کنندگان محفل در چوکی های خود جایجا شوند. ساعت 6:30 تشریف آوری بی بی جان به سالون توسط گردانندگان برنامه

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنډي د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

(محترمه سهیلا هاشمی و آقای نصیر یاسینی) اعلام شد، بی بی جان به معیت مهماندار و چند خانم دیگر قدم به سالون گذاشتند و از طرف تعدادی از دختران و پسران جوان که همه با لباسهای افغانی مزین بودند، با تقدیم یک دسته گل گلاب زیبا ورود شانرا به سالون به حیث مهمان خاص و عالیقدر محفل بزرگداشت از نود و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور خوش آمدید گفتند. در حالیکه حاضران همه به پا برخاسته و با شور و هیجان کف میزدند و از این روز بزرگ با یاد نام اعلیحضرت شاه امان الله غازی قهرمان استقلال کشور و حضور دختر ایشان در این محفل خجسته شادمانی میکردند، بی بی جان پس از توقف کوتاه و بلند کردن دستهای شان به مثابه ابراز امتنان، روانه ستیج خاص شدند که در کمی بلندتر از سالون در جایی قرار داشت که از همه اطراف قابل دید بود.



حین نزدیک شدن به ستیج، اینجانب که عهده دار همراهی بی بی جان در ستیج تعیین شده بودم، از بی بی جان استقبال نموده و ایشان را به سمت چوکی مخصوص شان رهنمائی کردم و خود نیز در کنار شان ایستادم. بی بی جان بار دیگر با بلند کردن دستان و نظر اندازی به همه اطراف مراتب امتنان خود را به همه حاضران محفل ابراز داشتند. در این موقع که همه به ایستاده بودند، یک تعداد دختران و پسران جوان در اطراف بیرق داشتند، سرود ملی افغانستان پخش گردید و بیرق ملی به اهتزاز درآمد.

پس از ختم سرود ملی بی بی جان به چوکی نشستند و محفل با تلاوت چندی از آیات قرآن مجید آغاز گردید. نخست اینجانب با بیانیه مختصر نخست سالگرد میمون استقلال کشور را به همه هموطنان تبریک گفتم و سپس از اینکه در این روز خجسته امسال حضور شاهدخت به حیث مهمان خاص امشب بر زیبایی و شکوه محفل افزوده است، اظهار مسرت کردم و از طرف خود و به نیابت از همه انجمن های این منطقه که در ترتیب این محفل سهم فعال گرفته بودند، از تشریف آوری مهمانان در محفل ابراز امتنان نمودم و نیز در ادامه با اختصار از خدمات بزرگ اعلیحضرت شاه امان الله غازی در راه استرداد استقلال کشور و نیز از نقش ملکه بزرگ ملکه ثریا در مورد راه اندازی نهضت اول زنان کشور یاد کردم و به روح همه شهدای استقلال و پیشوایان این موهبت ملی اتحاف دعا نموده سر بلندی ملت افغانستان را در پرتواستقلال و وحدت واقعی ملت از بارگاه الهی التجا نمودم.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

شاهدخت هندیه (بی بی جان) با اینجانب
 داکتر سید عبدالله کاظم (رئیس انجمن
 سالمندانان در بی ایریا - شمال کالیفورنیا
) در عقب تابلوی بزرگ اعلیحضرت شاه
 امان الله غازی - رسامی یک هنرمند افغان
 که به این مناسبت برای تزئین ستیج در
 اختیار ما قرار داده شد. متأسفانه اسم
 شانرا فراموش کرده ام.)



با ختم سخنان من، نوبت به خانم
 مهریه جان بپیش رسید که سوانح
 مختصر بی بی جان را از روی
 دست نویس شان که به فرانسوی
 نوشته بودند، به دری ترجمه و
 قرائت نمود. سپس برطبق برنامه

داکتر محمد همایون قیومی، پوهاند داکتر محمد حسن کاکر و انجنیر فرید وردک سخن گفتند. متعاقباً
 داکتر عبدالرحمن زمانی به نمایش یک تعداد سلاید های تاریخی و باارزش دوره امانی پرداخت که
 عکسها و تبصره های شان مورد دلچسپی زیاد حضار قرار گرفت.

وقتی نوبت سخن به مهمان گرامی شاهدخت هندیه (بی بی جان) رسید، حضار به پا ایستادند و کف
 زدند. بی بی جان از روی متن قبلاً تهیه شده که با حروف لاتین متن دری را در آن گنجانیده بودند، به
 سخن آغاز کردند خاطرات دوران سلطنت و مهاجرت پدر بزرگوار خود را از شروع تا ختم آنچه را
 دیده و یا شنیده بودند ویا در طول زندگی شاهد آن بودند، با لهجه خاص و دلنشین خود بطور مختصر
 بیان داشتند. در این موقع که خاموشی کامل در سالون حکمفرما بود، همه به دقت به بیانات دلچسپ بی
 بی جان گوش فرا دادند. (متن مکمل گفتار شان که تقریباً نیم ساعت را دربر گرفت، باهمه گزارشات
 دیگر همان شب در DVD دوساعته که از طرف فلمبردار و عکاس انجمن سالمندان محترم حبیب زلگی
 ثبت گردیده، همین حالا در آرشیف نشرات انجمن موجود است).



شاهدخت هندیه (بی بی جان) حین ایراد
 بیانیه (در وسط تابلوی بزرگ رسامی
 "طاق ظفر" در پغمان - اثر یک هنرمند
 افغان)

در ختم بیانیه بی بی جان سه نفر
 از حضاران محفل هریک بالنوبه
 سؤالهای مختصر خود را
 مطرح کردند که بی بی جان با
 زبان شیرین خود به توضیح و
 جواب ایشان پرداخت. در این
 موقع حوالی ساعت 8:30 شب
 با اعلام آماده بودن غذا قسمت
 اول برنامه با علاقمندی حضار

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

و نظم خاص به پایان رسید و بی بی جان نیز به محل دیگر که قبلاً در جوار ستیج برای شان تعیین شده بود، تشریف بردند.

ناگفته نماند که بی بی جان هنگام صرف نان چاشت از خانم خواستند تا برای شب شان یک کمی از غذای چاشت را با خود ببرند که اینکار صورت گرفت و غذای خانه در همانوقت بروی میز ایشان گذاشته شد. هنوز ایشان به صرف غذا آغاز نکرده بودند که یک تعداد دوستان برای مصافحه و گرفتن عکس های یادگاری بسوی میز بی بی جان در حرکت شدند. بسرعت این تعداد به یک صف طویل تبدیل گردید که هر یک میکوشید زودتر به مقصد خود را برسانند. با این هجوم دوستان ناگزیر به یکی از گردانندگان محفل گفتم که اعلام دارد: هروقت بی بی جان از صرف غذا فارغ شدند، موقع دیدار با ایشان و گرفتن عکس فرا میرسد و از دوستان گرامی خواهش میشود با رعایت نوبت و انتظار در قطار نظم را رعایت نمایند. خوشبختانه این خواهش اثر بخشید و نظم لازم در گرفتن عکس و مصافحه کوتاه با مهمان عالیقدر بالترتیب برای همه میسر شد و عکاس مؤظف آقای حبیب زلگی از هر گروپ عکاسی کرد و نیز در روزهای بعد عکس را چاپ و به دسترس هریک قرار داد.



هنگامیکه حاضران محفل مصروف صرف غذا بودند، موزیک آرام در سالون پخش می شد، ولی شور و هیجان در بین همه جریان داشت. تا آنکه بساعت ده شب برنامه هنری با اجرای هنرمند خوش آواز و مشهور افغان آقای صفی و دسته هنرمندان شان به محفل زیبایی خاص بخشید و موجب خرسندی خاطر همه گردید. اما در اطراف بی بی جان هنوز هم حلقه دوستان در تجمع بودند و بی بی جان با علاقمندی زیاد هر یک را مورد لطف و نوازش مختصر قرار میدادند که موجب شادمانی شان میگردد. ساعت یازده شب پایان محفل اعلام شد، نخست بی بی جان با تعدادی از همراهان شان به

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

شمول مهماندار در حالی سالون را ترک کردند که در دوطرف راه خروجی به پا ایستاده و با کف زدن ممتد با این مهمان عالیقدر خدا حافظی میکردند. بی بی جان هنوز به در خروجی نرسیده بودند، که توقف کردند و خطاب به حاضران چنین گفتند: «از فرد فرد شما نسبت لطف و مهربانی که در حق من روا داشتید، از صمیم قلب تشکر میکنم. من در محافل زیاد اشتراک کرده ام، ولی گرمی و استقبال بی نظیر که امشب نصیبم گردید، هیچگاه تا زنده هستم فراموشم نمیشود. از شما و همه گردانندگان این محفل صدها بار تشکر میکنم و شما را به خدای بزرگ می سپارم» و در اخیر گفتند: «وطن و مردم ما به پناه خدای بزرگ باشند و همیشه سرفراز و با استقلال و وحدت کامل!»

بی بی جان با این گفتار خود سالون را ترک کردند و رهسپار اقامتگاه خود شدند. متعاقباً در ظرف نیم ساعت همه حاضران محفل سالون را نیز ترک نمودند و این شب پر خاطره به پایان رسید. من و تیم کاری محفل تا یک ساعت دیگر در آنجا باقی ماندیم. وقتی بخانه برگشتم، مهمانان همه استراحت کرده بودند و خانم با یکی دوفراز همکاران خود مصروف آمادگی برای صبحانه فردا بودند.

قابل یادآوریست که گزارش مختصر این شب فراموش ناشدنی با یک تعداد عکس های محفل بعداً در مجله "طلوع" منتشره مرکز اسلامی ابراهیم خلیل الله علیه السلام - شماره سوم سال 1390 به نشر رسید. علاوه بر مجله طلوع به مناسبت نود و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور یک نشریه مخصوص را نیز در 12 صفحه با عکس ها و متن گفته های اعلیحضرت شاه امان الله غازی و مختصر سوانح شاهدخت هندیه (بی بی جان) چاپ کردند که در دسترس مهمانان محفل قرار گرفت.

(ادامه دارد)